

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده‌ی ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

رساله‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

مقایسه‌ی بلاغت فارسی و عربی بر مبنای کتاب تلخیص

المفتاح خطیب قزوینی به همراه ترجمه‌ی کتاب

استاد راهنما

دکتر سعید واعظ

استادان مشاور

دکتر غلامرضا مستعلی پارسا

دکتر علیرضا منوچهریان

یحیی عطایی

شهریور ۱۳۹۰

## فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها

### کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: مقایسه‌ی بلاغت فارسی و عربی بر مبنای کتاب تلخیص‌المفتاح خطیب قزوینی به همراه ترجمه‌ی کتاب	
نویسنده / محقق: یحیی عطایی	
مترجم: یحیی عطایی	
استاد راهنما: دکتر سعید واعظ	
استادان مشاور: دکتر غلامرضا مستعلی پارسا / دکتر علیرضا منوچهریان	
استادان داور: دکتر محمدحسن حسن‌زاده نیری / دکتر محمدرضا ترکی	
کتاب‌نامه: دارد.	واژه‌نامه: ندارد.
نوع پایان‌نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی	<input type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: دکتری	سال تحصیلی: ۱۳۹۰
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
تعداد صفحات: ۴۳۸	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی:	
بلاغت، معانی، بیان، بدیع، تلخیص‌المفتاح، عبدالرحمان خطیب قزوینی.	
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: Rhetoric, Talkhisolmeftah, Khatib Ghazwini	

### چکیده

**الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف) و مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:**

رساله‌ی حاضر ترجمه‌ای است از کتاب **تلخیص‌المفتاح** و در کنار این کار، مقایسه‌ی عناصر بلاغی موجود در این کتاب است، با آنچه در بلاغت فارسی مطرح شده است. موضوع کتاب **تلخیص‌المفتاح**، دانش بلاغت است و در سه بخش اصلی (معانی و بیان و بدیع) نوشته شده است که پیش از این سه بخش دارای مقدمه و بخشی در باب فصاحت و بلاغت آمده و کتاب را با دو بخش فرعی دیگر با عنوان دزدی‌های ادبی و مطالبی مربوط به آن و عوامل زیباسازی سخن به پایان برده است.

مصنّف، دانش معانی را به هشت باب بخشبندی کرده است. که عبارتند از: ۱- احوال اسناد. ۲- احوال مسندّالیه. ۳- احوال مسند. ۴- احوال متعلقات فعل. ۵- قصر. ۶- انشاء. ۷- فصل و وصل. ۸- ایجاز و اطناب و مساوات.

همچنین دانش بیان را در سه بخش تشبیه و استعاره و کنایه آورده و بدیع را به دو بخش معنوی و لفظی تقسیم کرده است.

اساس کار بر پایه‌ی متنی است که دکتر یاسین ایوبی ارائه داده است. کار ایشان تنها تصحیح متن نیست، بلکه دگرگونی‌هایی اندک در متن اصلی پدید آورده و نکاتی را از شرح‌هایی مانند مختصر و مطول و برقوقی و... وارد متن کرده است. کتاب را انتشارات المکتبه‌العصریه در صیدای بیروت منتشر کرده که به همراه مقدمه‌ی مفصل و حاشیه‌ها و فهرست‌های سودمند، به شیوه‌ای آراسته چاپ شده است.

آنچه در تاریخ تحوّل دانش بلاغت دارای اهمیت بسیار است، این است که از زمانی که ایرانیان در حوزه‌ی دانش بلاغت عربی دست به قلم بردند، تکامل این دانش آغاز شد و دوره‌های اوج و فرود این دانش به دست ایرانیان رقم خورد. برادران پژوهشگر در کشورهای عربی به این نکته هرگز صریحاً اشاره نمی‌کنند. اوج درخشش این دانش، زمانی است که دانش در ایران، رو به اوج بود. یعنی زمانی که شاهان و وزیران فرهنگ‌دوست سامانی در خراسان حکومت را در دست داشتند. اندکی پس از آن دانشمندان در زیر حمایت ایشان آزادانه‌تر از دوره‌های پیش و پس از خودشان در هر موضوعی کار می‌کردند. فرود و اُفت دانش بلاغت را، نیز باید در تاریخ ایران دید و بررسی کرد. اگر نیک بنگریم، دانش بلاغت در ایران با حمله‌ی غزها به ایران و مدّتی پس از آن با حمله‌ی مغولان اُفت کامل داشته است. با نگاهی به تاریخ ادبیات ایران در این دوره و آثاری که در این دو روزگار نوشته شده است، درمی‌یابیم که اوضاع مدرسه‌ها و نحوه‌ی

آموزش چسان تحت تأثیر حمله‌ی مغولان قرار گرفت و چسان دانش‌های گوناگون شکوفایی خود را از دست دادند و بررسی‌های ژرف علمی، جای خود را به شرح و حاشیه‌نویسی برای تدریس در مدارس نیمه‌مرده داد.

دانشجویان و پژوهشگران در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و... که در گذشته همه‌چیزخوان بودند، عرییدانی جزو کارهای پایه‌ای ایشان بوده‌است. از این رو پژوهشگری که در موضوعی دست به پژوهش می‌برد، در برخورد با متون عربی با دشواری‌چندانی روبرو نمی‌شد، ولی امروز که رشته‌های آموزشی به گونه‌ای دیگر دسته‌بندی شده و می‌شود، و حجم تدریس و تعلیم دگرگون شده و هر دانشی به گرایش‌های گوناگونی منقسم شده‌است، پژوهشگر برای دسترسی به متون عربی با دشواری بسیاری روبرو خواهد بود. از این رو می‌توان گفت که دوره‌ی ترجمه در ایران که از حدود صد سال پیش آغاز شده‌است، می‌بایست چهل - پنجاه سال پیش به پایان می‌رسید، تا این متون اصلی که نویسندگان آن بیشتر ایرانی هستند، به فارسی ترجمه می‌شد. آثار شاعران، نویسندگان و مفسران و دانشمندان و... که بیشتر به زبان عربی است، امروز نیازمند برگرداندن به فارسی است. شاعرانی مانند طغرایی اصفهانی، رشید و طواط و... نویسندگانی مانند بدیع‌الزمان همدانی و... مفسرانی چون زمخشری و... دانشمندانی مانند فارابی، ابن سینا و... همه تأثیرگذارانی هستند که هر کدام در دانش و دانش‌هایی دورانساز بوده‌اند.

### ب. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه‌ی مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه‌ی اجرای آن، شیوه‌ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در روش ترجمه‌ی تلخیص‌المفتاح، روشی میان تحت‌اللفظی (واژه به واژه)، و آزاد پیش گرفته شد. به این دلیل که متن تلخیص متنی کهنه است و برگرداندن آن نیازمند زبانی فاخر. دلیل دیگر آموزشی و علمی بودن متن است که برگردان آزاد مانع از درگیری دانشجو با متن اصلی می‌شود. از سوی دیگر آیات و ابیات عربی بسیاری در متن به کار رفته که ترجمه‌ی آزاد، حق مطلب را در رساندن معانی آیات و ابیات ادا نمی‌کند و از سویی بلاغت آیات و ابیات که برای نکاتی بلاغی نمونه آورده شده‌است، ایجاب می‌کند که این نکات بلاغی در ترجمه نشان داده شود.

جنبه‌ی دیگر پژوهش، تطبیق عناصر بلاغت عربی با بلاغت فارسی است. این کار از چند جهت قابل ملاحظه است: نخست اینکه در بررسی مطالبی که در کتاب‌های بلاغت فارسی آمده‌است، به سبب تکراری بودن مطالب به همه‌ی آن‌ها پرداخته نشد و تنها کتاب‌هایی که در هر دوره دارای اهمیت بوده و هستند، بررسی شد. این کتاب‌ها عبارتند از:

(۱) آهنی، غلامحسین: معانی بیان.

(۲) تجلیل، جلیل: معانی و بیان.

(۳) تقوی، سید نصرالله: هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی.

(۴) رادویانی، محمد ابن عمر: ترجمان البلاغة.

- ۵) رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس: المعجم فی معاییر اشعار العجم.
- ۶) رنجبر احمد: ۱- معانی. ۲- بیان. ۳- بدیع.
- ۷) شمیسا، سیروس: ۱- بیان و معانی. ۲- نگاهی تازه به بدیع.
- ۸) عرفان، حسن: کرانه‌ها شرح فارسی مختصر المعانی تفتازانی.
- ۹) علوی مقدم، محمد و رضا اشرف‌زاده: معانی و بیان.
- ۱۰) کاشفی، علی بن حسین: بدایع الافکار فی صنایع الاشعار.
- ۱۱) کزازی، میرجلال‌الدین: زیبایی‌شناسی سخن پارسی: ۱- معانی. ۲- بیان. ۳- بدیع.
- ۱۲) گرکانی، محمدحسین (شمس‌العلماء): ابدع البدایع.
- ۱۳) هدایت، رضاقلی (خان): مدارج البلاغۀ در علم بدیع فارسی.
- ۱۴) همایی، جلال‌الدین: ۱- فنون بلاغت و صناعات ادبی ۲- معانی و بیان.
- ۱۵) وحیدیان کامیار، تقی: بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی.
- ۱۶) وطواط، رشیدالدین محمدعمری کاتب بلخی: حدائق السحر فی دقائق الشعر.

مطالبی گفته شده است که در کتاب‌های بلاغت فارسی نیامده است و جزو یافته‌های نگارنده به شمار می‌آید که بخش عمده‌ی کار تطبیق را دربر گرفته است. مثلاً کمتر آرایه‌ای در بخش بدیع معنوی هست که نگارنده دیدگاه خود را در آن مطرح نکرده باشد. این بخش از کار در کنار تطبیق، شکل تألیف به پژوهش، داده است.

در آوردن نمونه‌های نظم و نثر، کمتر گواه شعر و نثر هست که از کتاب‌های بلاغت فارسی آورده شده باشد. در آوردن نمونه‌ها از شعر و نثر شاعران و نویسندگان که دوران‌ساز و گواه سبک و نماینده‌ی دوره‌ی خویش بوده‌اند، بیشترین بهره گرفته شده است. شاعرانی مانند: رودکی، فردوسی، سنایی، عثمان مختاری، انوری، خاقانی، نظامی، مولوی (مثنوی و غزلیات)، سعدی (همه‌ی آثار)، حافظ، قانانی، شهریار. در این میان خاقانی و نظامی و سعدی و حافظ جایگاهی ویژه دارند.

بخش دیگر کار این است که افزون بر ترجمه‌ی متن، کار پژوهش بر روی ابیاتی که نیاز به پژوهش بیشتر داشتند و نیازمند استناد به منابع دیگر عربی بود، صورت گرفت. همچنین گاهی نگارنده نکات بلاغی دیگر کتاب‌های عربی را نیز در متن تطبیق وارد ساخته و نمونه‌های بسیاری را از آیات و احادیث پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و اشعار شاعران عرب آورده است.

### پ. یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

حاصل تلاش نگارنده در رساله‌ی حاضر بدین گونه است:  
 نخست: ترجمه‌ی اثری است در بلاغت به نام تلخیص‌المفتاح که نگاشته و گردآورده‌ی عبدالرحمن قزوینی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم هجری است. ترجمه‌ی این اثر مهم‌ترین بخش پژوهش است و از دیدگاه نگارنده، ارزش آن کمتر از

تصحیح نسخه نیست و همانند آن در زمره‌ی احیاء آثار ملی به‌شمار می‌آید؛ و از سویی دیگر دستگیر کسانی خواهد بود که در بلاغت ایرانی - اسلامی دست به پژوهش می‌برند و با عربیت آشنایی چندانی ندارند.

دوم: جنبه‌ی دیگر پژوهش، تطبیق نکات بلاغی مطرح‌شده در این کتاب با بلاغت فارسی است که خود از چند دید، قابل ملاحظه است؛ یکی اینکه، این کار، تطبیق با نکاتی است که در کتاب‌های بلاغت فارسی مطرح شده است، و نیز نکاتی است که نگارنده نخستین بار در بلاغت فارسی و نیز عربی، کشف و مطرح ساخته و مقایسه‌ای میان دو عرصه‌ی پنهاور، از ریزترین نکات بلاغی و دستوری مربوط به بلاغت گرفته تا بحث‌های کلی در سبک‌شناسی میان شاعران فارسی و عربی در دوره‌های مختلف، انجام داده است.

در این پژوهش، کمتر نکته‌ی بلاغی است که نگارنده درباره‌ی آن دیدگاه خود یا دیگران را مطرح نکرده و در مقایسه‌ی میان بلاغت دو زبان مطابقتی انجام نداده باشد؛ از این رو می‌توان گفت، اثری در تاریخ بلاغت‌نویسی و ادبیات تطبیقی در عرصه‌ی بلاغت فارسی و عربی، دست‌کم با این حجم و کیفیت، به اندازه‌ی این پژوهش نباشد و از این جهت کار نگارنده در کنار ترجمه، تألیف نیز به‌شمار می‌آید.

سخن درباره‌ی بلاغت فارسی و عربی بسیار است و در این جا اشاره‌ای به آن نمی‌شود همچنین درباره‌ی آنچه بلاغت‌نویسان ایرانی به زبان فارسی نوشته‌اند، در مقایسه با کتاب‌های عربی، بسیار می‌توان گفت. ولی به‌طور کلی برخی نتایجی که در ضمن پژوهش، نگارنده به آن رسیده، چنین است:

۱- هیچ کتابی در بلاغت فارسی نیست که اساس بلاغت‌نویسی گذشتگان (عربی و فارسی) را برهم زده و خود بنیادی تازه نهاده باشد. همگی و مدار نویسندگان پیش از خود بوده‌اند و بنیاد کارشان بر دیدگاه‌های عبدالقاهر و زمخشری و سکاکی و... نهاده شده است.

۲- آنچه به عنوان تغییر می‌توان از آن یاد کرد، افزودن به شمار آرایه‌های بدیعی است که مدتی پس از سکاکی به این سو آغاز شده و تاکنون ادامه دارد و این امر تقریباً هم‌زمان در کتاب‌های عربی به فارسی دیده می‌شود.

۳- با اینکه پایه‌ی کار بلاغت‌نویسان بر گفته‌های عبدالقاهر و تحلیلگران نخستین دیگر بوده است، ولی هرچه از زمان سکاکی دورتر می‌شویم، نقطه‌ی مشترک این کتاب‌ها که عبارت است از، خلاصه‌نویسی و دوربودن از تحلیل‌های ژرف و نداشتن ذوق و شوق هنری، بیشتر به چشم می‌خورد. یکی از دلائل امر این است که این کتاب‌ها از دیرباز برای تدریس در مدارس نوشته می‌شده است.

۴- در زمان معاصر، نگارش بلاغت دو بخش عمده دارد؛ کتاب‌های کاملاً تحلیلی که بیشتر بر پایه‌ی نظریه‌های غرب است. دیگر کتاب‌های غیر تحلیلی که ادامه‌دهنده‌ی راه گذشتگان است و باز هدف از نگارش آن‌ها تدریس در دانشگاه‌ها و مدارس است. و در این کتاب‌ها نیز، کسی پایه‌های بلاغت سنتی را برهم نزده است و لذا در این عرصه در دوره‌ی تقلید به سر می‌بریم.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نماییم.

**استاد راهنما:**

**سمت علمی:**

**دانشکده:** ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

رئیس کتابخانه:



بہ پیشگاہ

استاد احمد مہدوی دامغانی

کہ اندیشیدن بہ فرہنگ ایران زمین

حاصل اوقات اوست

فهرست مطالب<sup>۱</sup>

دیباچه.....	۷
روش کار.....	۱۸
آغاز تلخیص.....	۲۱
پیش‌گفتار در تعریف فصاحت و بلاغت و شناسایی جای‌گاه‌های آن‌ها.....	۲۳
فصاحت در مفرد (واژه).....	۲۴
ناآشنایی و مخالفت قیاس.....	۲۴
تنافر حروف.....	۲۴
غرابت استعمال.....	۲۵
مخالفت قیاس.....	۲۶
فصاحت در سخن.....	۲۸
ضعف تألیف.....	۲۸
تنافر و دشواری در ادای سخن.....	۳۰
تعقید در نظم.....	۳۱
تعقید در انتقال.....	۳۲
تکرار زیاد.....	۳۴
تتابع اضافات.....	۳۴

- ۳۶..... فصاحت داشتن سخنور.....
- ۳۶..... بلاغت.....
- ۳۷..... دو سوی بلاغت.....
- ۳۹..... باب نخست.....
- ۳۹..... دانش معانی.....
- ۳۹..... گونه‌های سخن.....
- ۴۰..... بازگشت به مفهوم خبر.....
- ۴۰..... درستی و نادرستی خبر.....
- ۴۱..... دیدگاه جاحظ.....
- ۴۳..... فصل نخست احوال اسناد خبری.....
- ۴۶..... اسناد دو بخش است.....
- ۴۶..... حقیقت عقلی.....
- ۴۷..... مجاز عقلی.....
- ۴۹..... اسناد به اعتبار دو سوی آن.....
- ۵۲..... احوال مسندالیه.....
- ۵۲..... حذف مسندالیه.....
- ۵۵..... آوردن مسندالیه.....
- ۵۷..... معرفه آوردن مسندالیه.....
- ۵۷..... معرفه ساختن مسندالیه با آوردن ضمیر.....

- ۵۸..... معرفه آوردنِ مسندالیه به صورتِ عَلَم.....
- ۵۹..... معرفه ساختنِ مسندالیه، با اسمِ موصول.....
- ۶۲..... معرفه ساختنِ مسندالیه با حرفِ «ال».....
- ۶۵..... معرفه آوردنِ مسندالیه با اضافه.....
- ۶۹..... وصف آوردنِ برایِ مسندالیه.....
- ۷۳..... مقدم آوردنِ مسندالیه «بر مسند».....
- ۸۱..... تأخیرِ مسندالیه.....
- ۸۵..... التفات.....
- ۹۴..... نمونه‌ی التفاتِ از تکلم به خطاب.....
- ۹۴..... نمونه‌ی التفاتِ از تکلم به غیبت.....
- ۹۵..... نمونه‌ی التفاتِ از خطاب به تکلم.....
- ۹۶..... نمونه‌ی التفاتِ از خطاب به غیبت.....
- ۹۷..... نمونه‌ی التفاتِ از غیبت به تکلم.....
- ۹۷..... نمونه‌ی التفاتِ از غیبت به خطاب.....
- ۹۷..... دلیلِ زیبایی و سودمندیِ التفات.....
- ۹۹..... باز از مواردِ خلافِ مقتضایِ ظاهرِ (سخن).....
- ۱۰۲..... قلب.....
- ۱۰۴..... احوالِ مسند.....
- ۱۰۴..... ترکِ مسند.....
- ۱۰۹..... ذکرِ مسند.....
- ۱۱۰..... مفرد آوردنِ مسند.....
- ۱۱۰..... فعل آمدنِ مسند.....
- ۱۱۰..... اسم آمدنِ مسند.....
- ۱۱۱..... مقید کردنِ فعلِ (مسند).....
- ۱۱۲..... مقید ساختنِ فعلِ به «شرط».....

- «إِذَا»..... ۱۱۲
- تغلیب..... ۱۱۳
- اداتِ شرطِ «لو»..... ۱۱۵
- نکره آوردنِ مسند..... ۱۱۶
- ویژه ساختنِ مسند به اضافه یا وصف..... ۱۱۷
- ویژه نساختنِ مسند به اضافه و وصف..... ۱۱۸
- معرفه آوردنِ مسند..... ۱۱۸
- جمله شدنِ مسند..... ۱۲۰
- مؤخر آوردنِ مسند..... ۱۲۰
- مقدم آوردنِ مسند..... ۱۲۱
- احوالِ وابسته های فعل..... ۱۲۴
- حذفِ مفعول..... ۱۲۷
- مقدم آوردنِ مفعول و مانند آن..... ۱۳۱
- مقدم آوردنِ معمولاتِ فعل بر معمولاتِ دیگر... ۱۳۱
- حصر و قصر..... ۱۳۴
- قصر..... ۱۳۴
- بخش اول: قصرِ حقیقی..... ۱۳۴
- قصرِ موصوف بر صفت..... ۱۳۴
- قصرِ صفت بر موصوف..... ۱۳۴
- قصرِ غیر حقیقی..... ۱۳۵
- قصرِ موصوف بر صفت..... ۱۳۵
- قصرِ افراد..... ۱۳۸
- قصرِ قلب..... ۱۳۸
- قصرِ تعیین..... ۱۳۸
- شیوه های قصر..... ۱۳۹
- انشاء..... ۱۴۷
- انشاءِ طلبی..... ۱۴۷

- انشاء غیر طلبی..... ۱۴۷
- گونه‌های انشاء طلبی..... ۱۴۷
- تمنا (خواهش و آرزو)..... ۱۴۸
- استفهام (پرسش)..... ۱۵۱
- امر..... ۱۶۱
- نهی..... ۱۶۶
- ندا..... ۱۶۸
- فصل و وصل (گسستگی و پیوستگی)..... ۱۷۱
- وصل..... ۱۷۱
- کمال انقطاع..... ۱۷۴
- کمال اتصال..... ۱۷۵
- استیناف..... ۱۷۹
- موارد وصل..... ۱۸۲
- جامع..... ۱۸۴
- جامع عقلی..... ۱۸۴
- جامع خیالی..... ۱۸۵
- سخنی در باب جمله‌ی حالیه..... ۱۸۷
- حال مُنتَقَلَه..... ۱۹۱
- ایجاز، اطناب و مساوات..... ۱۹۴
- درآمدی بر سخن..... ۱۹۴
- ایجاز..... ۱۹۵
- اخلال و خدشه‌دار بودن معنا..... ۱۹۶
- تطویل (طولانی ساختن و بی‌هوده‌گویی)..... ۱۹۷

- حشو مفسد..... ۱۹۸
- حشو غیر مفسد..... ۱۹۹
- مساوات..... ۲۰۰
- ایجاز قصر..... ۲۰۱
- ایجاز حذف..... ۲۰۳
- دو گونه حذف..... ۲۰۷
- اطناب..... ۲۰۹
- شیوه‌های اطناب..... ۲۰۹
- ایضاح پس از ابهام..... ۲۰۹
- توشیح..... ۲۱۰
- خاص پس از عام..... ۲۱۰
- تکرار..... ۲۱۱
- ایغال..... ۲۱۴
- تذییل..... ۲۱۵
- تکمیل و احتراس..... ۲۱۶
- تتمیم..... ۲۱۷
- اعتراض..... ۲۱۸
- پیش‌گفتار در شناخت دانش بیان..... ۲۲۲
- دلالت..... ۲۲۳
- تشبیه..... ۲۲۴
- درآمدی بر سخن..... ۲۲۴

- ۲۲۵..... دو سوی تشبیه
- ۲۲۷..... وجه شبهه
- ۲۳۶..... ابزار تشبیه
- ۲۳۷..... هدف از تشبیه
- ۲۳۹..... تشبیه مقلوب (واژگون)
- ۲۴۰..... اظهار مطلوب
- ۲۴۱..... اقسام تشبیه
- ۲۴۱..... تشبیه به اعتبار دو سوی آن
- ۲۴۴..... ملفوف
- ۲۴۵..... مفروق
- ۲۴۶..... تشبیه تمثیل
- ۲۴۷..... تشبیه غیر تمثیل
- ۲۴۸..... مجمل
- ۲۴۹..... مفصل
- ۲۴۹..... قریب میتدل
- ۲۵۰..... بعید غریب
- ۲۵۲..... مؤکد
- ۲۵۲..... مُرسَل



- مقبول و پذیرفته..... ۲۵۳
- مردود..... ۲۵۳
- پایان بخش تشبیه..... ۲۵۳
- حقیقت و مجاز..... ۲۵۵
- حقیقت لغوی..... ۲۵۵
- وضع..... ۲۵۵
- مجاز مفرد..... ۲۵۶
- حقیقت لغوی..... ۲۵۶
- مجاز لغوی..... ۲۵۶
- حقیقت شرعی..... ۲۵۶
- مجاز شرعی..... ۲۵۷
- حقیقت عرفی خاص..... ۲۵۷
- حقیقت عرفی عام..... ۲۵۷
- مجاز مُرسَل..... ۲۵۷
- مجاز مرسل، گونه‌های فراوانی دارد..... ۲۵۸
- نامیدن چیزی به نام بخشی از آن..... ۲۵۸
- نامیدن چیزی با نام سببش..... ۲۵۹
- نامیدن چیزی به نام مُسببش..... ۲۵۹

- نامیدن چیزی به نام آن چه در گذشته بوده است (ماکان)..... ۲۵۹
- نامیدن چیزی به نام آن چه در آینده خواهد شد. (مایکون یا ما یؤول)..... ۲۶۰
- نامیدن چیزی به نام جای آن..... ۲۶۰
- نامیدن چیزی به نام جای گیر..... ۲۶۰
- نامیدن چیزی به نام ابزار و آلت آن..... ۲۶۱
- استعاره..... ۲۶۲
- استعاره‌ی تحقیقیه..... ۲۶۲
- نهی از تعجب..... ۲۶۴
- تفاوت استعاره با دروغ..... ۲۶۵
- عَلَم را نمی‌توان استعاره دانست..... ۲۶۵
- قرینه‌ی استعاره..... ۲۶۶
- استعاره‌ی وفاقیه..... ۲۶۷
- استعاره‌ی عنادیه..... ۲۶۷
- استعاره‌ی تَهْکُمِیَّه و تَمْلِیحِیَّه..... ۲۶۷
- اعتبار جامع استعاره دو بخش است..... ۲۶۸
- عامیه و همه‌فهم..... ۲۶۹
- خاصیه و ویژه..... ۲۶۹
- اصلیه..... ۲۷۳

- تبعیه..... ۲۷۳
- مُطْلَقَه..... ۲۷۴
- مُجْرَدَه..... ۲۷۵
- مرشحه..... ۲۷۶
- پایه‌ی استعاره‌ی مرشحه، بر تناسی تشبیه، استوار است..... ۲۷۸
- مجازِ مرکب..... ۲۷۹
- تمثیل بر روشِ استعاره..... ۲۷۹
- استعاره‌ی بالکنایه..... ۲۸۰
- روشِ سکاکی در حقیقت و مجاز..... ۲۸۳
- عواملِ زیباسازیِ استعاره..... ۲۸۶
- کاستن و افزودن در مجاز..... ۲۸۸
- کنایه..... ۲۸۹
- کنایه از موصوف، با مفهومی یگانه..... ۲۹۰
- کنایه از موصوف، با چند معنا و مفهوم..... ۲۹۱
- کنایه از صفت نزدیک..... ۲۹۲
- کنایه از صفت دور..... ۲۹۳
- کنایه از نسبت..... ۲۹۴
- تعریض..... ۲۹۵

- تلویح ..... ۲۹۶
- رمز ..... ۲۹۶
- ایماء یا اشاره ..... ۲۹۷
- بیوستِ فصل ..... ۲۹۸
- بابِ سوم ..... ۲۹۹
- هنرِ سوم: دانشِ بدیع ..... ۲۹۹
- پیش‌گفتار ..... ۳۰۰
- بخشِ نخست: معنوی ..... ۳۰۱
- بخشِ دوم: لفظی ..... ۳۰۱
- فصلِ اول ..... ۳۰۲
- زیبایی‌های معنوی ..... ۳۰۲
- مطابقه ..... ۳۰۲
- تضادِ ایجاب ..... ۳۰۵
- تضادِ سلب ..... ۳۰۶
- تدبیح ..... ۳۰۶
- ایهامِ تضاد ..... ۳۰۷
- مقابله ..... ۳۰۸
- مراعاتِ النظر ..... ۳۱۰